

در اثر تهدیدات روسیه تزاری و ناامیدی از کمک بریتانیا در مقابل روسها برای پس گرفتن ایالات شمال غربی ایران دست دوستی بسوی فرانسه دراز کرد این پیشنهاد مورد قبول واقع شد و منجر بامضاء قرارداد «فین کن اشتاین» گردید. در این قرارداد دولت روسیه بعنوان دشمن پادشاه ایران و فرانسه شناخته شده بود. کمی بعد از امضاء قرارداد میسون گاردان وارد تهران شد اعزام این هیئت در ظاهر برای آموزش فنون جدید نظام بمشون ایران ولی در حقیقت کوششی بود برای انجام ماهده فین کن اشتاین که بین ناپلئون و فتحعلیشاه بامضاء رسیده بود. دولت بریتانیا و حکومت هندوستان از گسترش نفوذ فرانسه در ایران سخت مضطرب و دچار وحشت شدند و بلافاصله «سرهارد فورد جونز بریج» (۱) نماینده سیاسی انگلیسی را که در بصره اقامت داشت همراه میسونی روانه تهران نمودند تا عهدنامه ایران و فرانسه را خنثی نمایند.

سرجان ملکم نیز در همان موقع از هندوستان عازم تهران شد تا همان تهدداتی را که فرانسویها بعهد گرفته اند اونیز قبول نماید.

هر چند سرجان ملکم موفق نشد خود را بدربار تهران برساند (۲) ولی مقدمات انعقاد يك عهدنامه بوسیله سرهارد فورد جونز بریج فراهم شده بود. فرانسویها در انجام تهددات خود توفیقی نیافتند و لامحاله در سال ۱۸۱۰ بدون اخذ نتیجه از ایران خارج شدند و بدین ترتیب تقریباً نفوذ آنان برای همیشه در دربار تهران پایان پذیرفت.

ملکم برای یار سوم راهی ایران شد و عهدنامه سرهارد فورد جونز بریج را مورد تأیید قرارداد. بعد از کناره گیری ملکم در سال ۱۸۱۱ سر ویلیام کورداوولی روانه دربار تهران شد و قرارداد قطعی و نهائی را که حاکی از احیاء مجدد روابط تجارتي و اقتصادی و توسعه گسترش روابط سیاسی و دیپلماسی بین دو کشور بود بامضاء رسانید. در زمان عقد این قرارداد دولت ایران گرفتار جنگهای فرساینده و حملات مصیبت بار دولت روسیه تزاری بود.

اولین جنگه ایران و روس که منتهی بشکست دولت ایران گردید در سال ۱۸۱۲ پایان پذیرفت و قرارداد گلستان در سال ۱۸۱۳ بین دولتین بامضاء رسید. دومین لشکر کشی ایران بروسیه که منجر به از دست رفتن دومین قسمت از ایالات شمال غربی و شکست قطعی آن دولت گردید در سال ۱۸۲۸ با انعقاد قرارداد ترکمانچای پایان رسید.

اتحاد و دوستی متقابل بین انگلیس و روسیه در این موقع بدشمنی مبدل شده و روسها در اثر موفقیتها و پیروزیهای نظامی که در جبهه ایران و عثمانی بدست آورده بودند

۱ - سرهارد جونز بریج در تاریخ ۱۴ اکتبر ۱۸۰۸ وارد بوشهر شد و در ماه فوریه ۱۸۰۹ در تهران بحضور فتحعلی شاه باریافت (مترجم)

۲ - حضور ژنرال گاردان و هیئت فرانسوی در تهران و امیدواری دولت ایران به قرارداد با دولت فرانسه و نقض تهددات انگلیسها نسبت بقراقبلی خودشان باعث گردید که فتحعلی شاه از پذیرفتن ملکم خودداری نماید و ملکم ناچار بدون اخذ نتیجه از بوشهر به هندوستان مراجعه نمود. (مترجم).

سیاست خود را به مرزهای خاوری که از سال‌های قبل مورد توجه آنها بود معطوف نموده زیرا به صحیح یا غلط تضعیف قدرت‌های نظامی ایران و افغانستان بمنظور رفع موانع برای رسیدن به آبهای گرم خلیج فارس بدون تردید یکی از هدفهای نهائی و دیرینه روسها بوده است . هر چند که خلیج فارس جایی نبود که آنان بتوانند نفوذ خود را در آن گسترش دهند . نظریه‌های گوناگونی از طرف بعضی از مورخان و نویسندگان درباره خلیج فارس ابراز شده است که علاقمندان می‌توانند به نوشته‌های آنان در این زمینه مراجعه نمایند (۱) پس از مرگ فتح‌علی‌شاه در سال ۱۸۳۴ جانشینش اثر محمدشاه سیاست خود را نسبت بانگلیسها تغییر داد و باغوازی روسها و برخلاف اعتراض وزیر مختار انگلیس در تهران بطرف هرات لشکر کشی کرد .

اقدام محمدشاه باین کار خطرناک که مفایر باروح دوستی و اتحاد ایران و بریتانیا بود یکنوع عمل خصمانه بر علیه منافع بریتانیا در هندوستان تلقی گردید . جواب لشکر کشی شاه ایران به هرات ، از طرف انگلیسی‌ها در خلیج فارس داده شده . ناوگان جنگی انگلیس از طریق هندوستان در سال ۱۸۳۸ جزیره خارگ را اشغال کردند و نماینده سیاسی انگلیس موقتاً محل کار خود را از بوشهر به خارگ منتقل نمود این اشغال تازمانی که شاه از محاصره هرات صرف نظر نکرده بود ادامه داشت . انگلیسها در سال ۱۸۴۲ جزیره خارگ را تخلیه کردند و سایر دستجات و کوهچندگان محلی نیز بدنبال آن جزیره را ترک گفتند .

بین سالهای ۱۸۵۶ و ۱۸۵۷ هنگام درگیری مجدد ایران و انگلیس بر سر مسئله هرات جزیره خارگ برای بار دوم بتصرف نیروی دریائی انگلیس درآمد . بریتانیا حمله نظامی خود را از بوشهر آغاز کرد و جنگ بزرگی در پیان رسید و دولت ایران بهای این جنگ را با شکست و اشغال قوای نظامی خود پرداخت نمود . سقوط ( ریشهر ) در نهم دسامبر و تصرف بندر بوشهر در دهم دسامبر ۱۸۵۶ و شکست ایرانیها در خوشاب ، در هفتم فوریه ۱۸۵۷ و بخصوص بمبارد و اشغال محمره ( خرمشهر ) بوسیله نیروی دریائی انگلیس در ۲۶ مارچ ۱۸۵۷ (۲) مهمترین حادثه‌ایست که این موضوع را به خلیج فارس مربوط می‌سازد . شرح جالب این لشکر کشی در گزارش‌های رسمی و نظامی ژنرال سر جیمز اوترام تحت عنوان « عملیات جنگی سال ۱۸۵۷ در ایران » آمده است . این یادداشت‌ها شامل دستورها و گزارش‌ها -

۱ - رجوع شود به کتابهای ۱ - کرزن CURZON - ۲ - دراوویل DROUVILL

۳ - فریر FERRIER ۴ - کی نیر KINNEIR ۵ - کوتزیو -

۶ - برایدگز BRAYDGES ۷ - ماهان MAHAN

۸ - وامبری VAMBERY ۹ - ملکم MALCOLM ۱۰ - میکنان

۱۱ - مینان MIGNAN ۱۲ - پوپووسکی POPOWSKI ۱۳ - راولینسون

۱۴ - راوریر ROUIRE ۱۵ - شل SHEIL - استوارت

STUART (نویسنده)

۲ - مقصود نویسنده سال تحریر این یادداشت‌ها است که مربوط به سال ۱۹۲۸

میلادی می‌باشد .

هائی است، از نحوه عملیات جنگی قوای انگلیس از زمان حمله پناک ایران تا انعقاد معاهده پاریس در تاریخ ۴ مارچ ۱۸۵۷ .

در این قرارداد دولت ایران از مداخله و دخالت در امور داخلی افغانستان منع شده بود بعد از رفع غائله هرات یکنوع روابط دوستانه بین ایران و انگلیس برقرار شد که منجر به ایجاد تأسیس خط تلگراف و ارتباطات و سایر رفورم و اصلاحات دیگر در ایران گردید .

ناصرالدین شاه در سال ۱۸۴۶ بشاهی رسید و مدت سلطنتش تا سال ۱۸۹۶ بطول انجامید روابط ایران و روسیه در زمان سلطنت این پادشاه شکل و طرح مخصوصی بخود گرفت و بیشتر اوقات نفوذ و فشار روسها در ایالات شمالی ایران بچشم می خورد و از آن زمان ببعد یکنوع رقابت شدید ظاهراً اقتصادی در ایران بین روسیه و انگلیس بوجود آمد که تا حال حاضر البته بصورت خفیف تر ادامه دارد (۱).

دولت های روسیه و انگلیس در سال ۱۸۳۴ بر سر حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران توافق کردند و در سال ۱۸۸۸ طرفین باریکتر این توافق را مورد تأیید قرار دادند . بعد از جنگ های کریمه روسها سیاست خود را بطرف جنوب و مشرق در آسیا بخصوص کشور ایران معطوف نمودند در سال ۱۸۶۹ پس از دست یابی به کناره های دریای کاسپین مسئله اختلافات مرزی را با ایران پیش کشیدند و بعد از آن دولت ایران برای همیشه زیر فشار سیاست همسایه شمال خود قرار گرفت . نمونه ای از علاقه و طرز تفکر روسها بمسائل اقتصادی در ایران و توجه آنها بمنطقه خلیج فارس در زمان ناصرالدین شاه آنست که در سال ۱۸۸۷ وزیر مختار روسیه در تهران قرار دادی بادر بار تهران بامضاء رسانید که دولت ایران حق واگذاری امتیاز احداث خط آهن و کشتی رانی در آبهای ساحلی را بدون مشورت بادولت روسیه بهیچ کمپانی خارجی ندارد . ظاهراً انعقاد این قرار داد جبراً بدولت ایران تحمیل شده بود زیرا وزیر مختار تهدید کرد که اعطای چنین امتیازاتی بیک کمپانی خسار جی باعث خواهد شد که تزار دست از ضمانت و تمهد در مقابل تمامیت ارضی و استقلال ایران بردارد و در حقیقت این اعمال فشار روسها صرفاً بخاطر پیشنهاد طرح احداث خط آهن بین اهواز تهران از طرف دولت بریتانیا بود .

چند ماه بعد بخاطر آزادی کشتیرانی در کانون در سال ۱۸۸۸ که در واقع یک موفقیت اقتصادی برای بریتانیا بود روسها نیز متقابلاً در سال ۱۸۸۹ امتیازی از شاه ایران تحصیل نمودند که بموجب آن احداث یک رشته خط آهن در ایران بیک کمپانی روسی واگذار شده که در طی پنج سال عملیات تأسیس و ایجاد آنرا آغاز نمایند و در خلال این مدت دولت ایران حق واگذاری چنین امتیازی را بیک کمپانی خارجی دیگر ندارد . دلائل و شواهدی در

دست بود که روسها فعالیت‌های مشکوکی را در ایران آغاز کرده بودند .

در سال ۱۸۸۷ افسران روسی بریکاد قزاق که در خدمت دولت ایران بودند از اصفهان - شیراز- بوشهر- بازدید بعمل آوردند ظاهراً این بازدید بمنظور سیر و سیاحت انجام گرفته بود ولی بعداً با مسافرت يك افسر مهندس روسی به خلیج فارس معلوم شد که لاکل مهم استراتژی و دستیابی روسها به تنگه خلیج در بین است زیرا این افسر پس از يك مسافرت دوازده روز از طریق بندرعباس و جزیره هرمز و تهیه نقشه‌های مورد لزوم اعلام کرد که در این جزیره يك تأسیسات روسی بمنظور ذخیره و انبار ذغال سنگ بوجود خواهد آمد .

در سال ۱۸۹۶ در اثر شیوع وبا در هندوستان بهانه‌ای بدست روسها افتاد که مجدداً وارد منطقه خلیج فارس شوند در سال ۱۸۹۷ ظاهراً دو افسر پزشکی بمنظور مطالعه و پیشگیری بیماری وبا به بندر بوشهر اعزام داشتند ولی در حقیقت مأموریت این افسران با قصد نهایی بمنظور ارتباط و اعمال نفوذ در تنگه هرمز ارتباط داشت زیرا در سالهای ۱۸۹۸ و ۱۸۹۹ آنان خود را از طریق بندرعباس به بصره رسانیدند و در انجام مأموریت‌های اصلی خود توفیق - هائی حاصل نمودند .

«نا تمام»

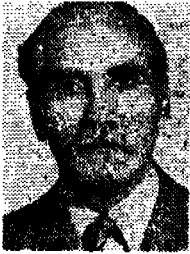
بقیه از صفحه ۱۰۰۰

است با بی نظری و رعایت کامل امانت چنانکه آرزوی آن فقید سعید بود بتدریج درج میکند باشد که مقبول اهل نظر بویژه مورد مطالعه دوستداران فلسفه تاریخ واقع گردد .

### عزیمت جنان

نواب که مرگ ناگهان داشت	مرگش چه شرارها بجان داشت
جمعی بعزای او سیه پوش	شهری همه ناله و فغان داشت
گلزار وجودش از بد دهر	در فصل بهار نو ، خزان داشت
مرغ دل او هوای پرواز	از اوج مکان به لامکان داشت
او مسرد شریف نکته بین بود	او طبع لطیف نکته دان داشت
هز و نسب و حسب ، شرافت	فضل و هنر و ادب عیان داشت
رمزی ز بلند طبیعی او	عنتقای بلند آشیان داشت
همواره ز بخت خویش راضی	هرگز نه شکایت از زمان داشت
عمری همه خدمت وطن کرد	این شهرت نیک را از آن داشت
غم‌دیده «جمال» کز سر صدق	پیوسته مکارمش بیان داشت ،
گفت از پی سال رحلت او :	و نواب عزیمت جنان داشت ،

رحمة الله علیه رحمة واسعة ۱۳۹۵



الیکارشی  
یا

ابوالفضل قاسمی  
مدیر روزنامهٔ جنبهٔ آزادی

# خاندانهای حکومتگر ایران

آنچه نمی‌توانید انجام دهید اهمیتی ندارد  
آنچه می‌توانید بکنید مهم است .

سر لو دوویک کو تمن

## خاندان مستوفی الممالک

(مستوفی الممالکی)

ریشه چهارصدساله

تاریخچهٔ نخست‌الیکارشی ایران و سر آغاز روزگاری را که بذری با این عنوان در سرزمین ما بزیر خاک رفت باید دوران صفویان دانست . صفویان نخست سلسله شاهی پس از اسلام بودند که در ایران حکومت متمرکز درست کردند ، باینکه ایلات قدرتمند نه گانه بنیاد حکومت را پی‌ریزی کردند درحقیقت بقول جواهر لعل نهرو ( از این زمان ملوک‌الطوایفی در ایران راه زوال پیمود ) حکومت فنودالبسم ایرانی راه فرمانروایی متمرکز منتقدان ( الیکارشی ) را در پیش گرفت .

سازمان اداری و سیاسی صفویان و ( کلیه مشاغل دولتی در تحت ریاست چهار نفر اداره می‌شد ، اول صدرا الممالک که امور شرعی و اوقاف و حسیبه باو رجوع بود . دوم مستوفی الممالک که کارهای مالی و داخله را اداره می‌کرد . سوم منعی الممالک که روابط با دول خارجه و امور سرحدی و صدور فرامین و احکام با او بوده است .

چهارم معیر الممالک که خزانه و ضرابخانه و نقاره‌خانه و کلیه امور مربوط بدربار پادشاه باو محول می‌شده است ( ۲ ) .

( شاردن در طی عباراتی اندک پیچیده و مبهم مستوفی الممالک را رئیس الرؤسای درجه

• گوتمن - بنیادگذار بازیهای المپیک ، مخصوصاً فلپینجا .

( یونسکو ماهانه ، پیام فروردین ۱۳۵۳ )

J. Nehru , Glimpses of World History , P. 498- ۱

۲ - سیاستگران دوره قاجار ۱۵۰

اول تمام (تالار) ممکن محاسبات **chambre** تعریف می کند و بنابر این مهمترین و کار برترین عنصر موجود در این دستگاه عظیم بود (۱)

با تکامل حکومت صفویان روز بروز قدرت مستوفی الممالک بیشتر می گردد (بسیار محتمل است که مستوفی خاصه مخارج لشکری و نظامی را ممیزی و نظارت می کرده یا اقلاً هزینه های سپاهیان جدید را که بامر شاه عباس بخدمت گرفته شده بودند تحت نظر داشته است ۲) اسکلت حکومت های بعدی صفویان بر این اساس مبتنی بود .

نیای بزرگ و مرد خود ساخته خاندان مستوفی الممالک بظاهر آقامحسن آشتیانی است که یکی از شخصیت های بزرگ نسل ششم آنان در باره آقامحسن و فرزندان او چنین می نویسد: «آقا محسن آشتیانی فتودال آشتیان بوده اند که به کریم خان زند و قاجار و قی که منسوب نادر شاه شده بود پناه داد و وقتی که کریم خان سلطنت رسید سه پسر او را نزد خود خواند و به هر کدام منصب عالی داد و بفرآ خود منصب اولی را میرزا و دومی را خان و سومی را بیک که در آن زمان القاب دولتی بود خواندند و آنها بعداً به دربار قاجاریه منتقل گردیدند ۳». قهرهاد معتمد یکی دیگر از شخصیت های نسل پنجم آقا محسن آشتیانی را از متولین آشتیان معرفی می کند و می افزاید ( بدرائش دارای شخصیت های مهم بوده اند ۴)

### شجره پربار الیگارشی

ولی اسناد موجود بنیاد قدرت سیاسی آنان را خیلی پس می برد. اعتماد السلطنه از زبان یوسف آشتیانی ( سومین مستوفی الممالک ) پیشینه قدرت اشرافی این خاندان را عقب ترمی برد ، می نویسد : «اجداد من تاپنج و شش پشت از نجبا و اعیان آشتیان محسوب میشدند و از خدمتگزاران سلاطین ایران بشمار می آمدند ۵» اگر میانگین زندگی هر نسل را پنج سال حساب کنیم آغاز این اقتدار بزمان صفویان بر می گردد .

در روزنامه شرف ضمن شرح حال مستوفی الممالک سوم (حضرت آقا) بسال ۱۳۰۰ می نویسد : «در حقیقت صدسال است منصب مستوفی الممالکی جاوید مدت مخصوص این خانواده است ۶» حقایق نگار در کتاب اوزنده خود ضمن وقایع ۱۲۷۶ یا محاسبه پیشینه استیفاگری این خاندان از زمان امیر کبیر بمدت ۸۵ سال آغاز سمت مستوفی الممالکی را برای این خاندان به سال ۱۱۹۱ به زمان زندیه عقب می برد (۷) در خاندان مستوفی الممالکی نیز اسنادی نزد محمد مستوفی الممالکی آخرین نسل برجسته معاصر این خاندان موجود است که خود مؤید قدمت قدرت این خاندان می باشد .

بر می گردیم به فرد برجسته و شاخص آنان (آقا محسن آشتیانی) از این فتودال

\* شاردن ( ۵ ج ص ۲۲۷ ) رئیس تالار محاسبات «**chef de la chambre**

درج ۸ بنایا اوراد منشی امپراطوری» یا دبیر کشور **le secretaire de L'empire** می نامد . این اصطلاح فقط اشاره است به دفتر خانه ممالک همچنانکه مستوفی خاصه رئیس تالار (محاسبات) بود .

۲۰۱ - سازمان اداری حکومت صفوی ۹۸

۳ - سالنامه دنیا سال ۱۳۳۸ صفحه ۳ (مقاله دکتر احمد منین دفتری) ۴ - سپهسالار اعظم

۵ - خلسه اعتماد السلطنه ۶ - روزنامه شرف سفر ۱۳۰۰ نمره ۲ ۷ - حقایق الاخبار ۲۴۱

آشتیانی سه فرزند یا شخصیت بوجود می‌آید بنام: میرزا کاظم، هاشم خان، آقاسی پیک که در دستگاه زندیه هر کدام مصدر امور مهم سیاسی و درباری می‌گردند از آنان خاندانهای بزرگی پیدا می‌شوند که مهمترین مهره‌های دستگاه الیکارشی دوست ساله مارا تشکیل می‌دهند نامدارترین خاندانهای منسوب از آنان بنام ( قوام ، وثوق ، دادور ، فرهاد میکده ، دفتری ، معاون و مصدق ) هستند .

پژوهنده بسال ۱۳۲۹ در دفتر جداگانه و رساله دوم کتاب ( تاریخ سیاه یا حکومت خانواده‌ها در ایران ) یکی از این خاندانها : فرزندان ( هاشم خان ) خاندان قوام و وثوق را از دیرزمان تا به عصر حاضر معرفی کردم و نقش آنان را در رویدادهای سیاسی شان دادم . اکنون که شناخت ( خاندان امینی ) در گرامی مجله وحید تقریباً پایان پذیرفته است بر اثر درخواستهای پیاپی اینک به معرفی خاندان دیگری از الیکارشی ایران ( خاندان مستوفی الممالک ) می‌پردازم .

قسمدا از این مقالات و رساله‌ها صرفاً جامه‌نکاری و شناسایی هیأت حاکمه دوست ساله ایران و نقش آنان در رویدادهای خوب و بد تاریخ و سیاست ماست . گروهی بر ما ایرادی گیرند این مباحث طولانی می‌باشد با این حساب معرفی معرفی الیکارشی ایران و شناخت ( یکصد خاندان حکومتگر ) بکندی انجام خواهد شد . نسل امروز با بی‌حوصلگی که از ویژگی دنیای سرمت است زودتر می‌خواهند عوامل مؤثر فرمانروایی قرون اخیر ایران را بشناسند . از اینرو ما از این بی‌عده خواهم کوشید مطالب را فشرده تر و حقایق را با کوتاهی هر چند که ممکن است بنگاریم ، بنا بر این اگر نارسایی در شرح بعضی از حوادث دیده شد آنرا با دیده گذشت بنگرید و عذر مدارد اختصار مطالب بپذیرید .

### خاندان‌های مستوفی و مستوفی الممالک

در الیکارشی ایران دو خاندان بنام مستوفی هستند که که از غیر خاندان مورد پژوهش خاندان دیگری باین نام خوانده می‌شود . نیای بزرگه این خاندان ( میرزا اسماعیل پیشکار آقا محمد خان قاجار ) است که چون از آغاز فرزندان او در وزارت استیفاء به فرمانروایی مشغول بودند ، بنام مستوفی معروف گردیده‌اند .

در برابر آنان چون مقام ( مستوفی الممالک ) در قرون اخیر انحصاراً در نسل فرزند بزرگه آقا محسن ( میرزا کاظم مستوفی الممالک ) باقی مانده است و آنکھی این خان خود نیز نام خانوادگی را ( مستوفی الممالکی ) برگزیده‌اند بنا بر این از جهات شناسایی بیشتر و تفکیک از یکدیگر بهتر است مانیز این خاندان را مستوفی الممالک یا خاندان ( مستوفی الممالکی ) بنامیم .

( ادامه دارد )